



تحلیل نقاشی های کودکان کار

پدیدآورنده (ها) : هاشمی، نسرين؛ فدوی، سیدمحمد

هنر و معماری :: نشریه نگره :: پاییز ۱۳۸۸ - شماره ۱۲ (ISC)

صفحات : از ۱۰۷ تا ۱۱۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1377609>

تاریخ داندود : ۱۴۰۵/۰۵/۱۴

کاربر گرامی، فایل داندود شده فقط برای استفاده شخصی است، از نشر آن خودداری فرمایید.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- ارزش های روان شناختی در نقاشی کودکان
- هنرهای: تجزیه و تحلیل نقاشی کودکان
- تحلیل کاربردی نقاشی کودکان
- تاثیر آموزش مهارت های اجتماعی بر عزت نفس و ابعاد هویت کودکان کار
- مسائل روانی درباره نقاشی کودکان
- بررسی تصمیم به اشتغال و تحصیل کودکان کار در ایران
- حمایت اجتماعی از کودکان کار و خیابان
- نمادها و رنگ ها در نقاشی کودکان
- نقش هائی از هنرمندان مشهور و بیماران روانی در قرن بیستم
- نقد و بررسی سیاست ها و راهکارهای ارائه شده برای حمایت از کودکان کار و خیابان
- مقایسه نقاشی خانواده و نقاشی خانه -درخت- آدم در دو گروه کودکان دارای والدین معتاد و غیرمعتاد
- جلوه هنری عنصر گفت و گو در داستان قرآنی حضرت یوسف علیه السلام

عناوین مشابه

- تحلیل وضعیت کودکان کار و چالش های حقوقی آن در ایران
- تحلیل شاخص های بازار کار در فصل بهار ۱۳۹۸
- تبیین شباهت های ساختاری نقاشی خودآموختگان با نقاشی کودکان بر اساس رویکرد روانشناختی
- پژوهشی پیرامون تحلیل و تبیین اخلاق اسلامی کار در سازمان های دولتی ایران (مطالعه موردی: سازمان های دولتی استان قزوین)
- تحلیل همدیدی ساز و کار وقوع بارش های سنگین بهاره در شمال غرب ایران
- بررسی تاثیر هوش کسب و کار بر سیستم تجزیه و تحلیل کسب و کار و سیستم مدیریت عملکرد (مطالعه موردی سازمان شهرداری های استان مازندران)
- تحلیل محتوای کتاب های درسی مطالعات اجتماعی پایه سوم و چهارم دوره ابتدایی درخصوص جهت گیری فرهنگ کار
- تحلیل جنبه های تفکر خلاقانه در نقاشی کودکان ۳ تا ۵ سال (گروه سنی الف)
- تاثیر روش های آموزش نقاشی بر افزایش خلاقیت کودکان
- نقش بازی های حرکتی، نقاشی و موسیقی در کاهش مشکلات رفتاری - تحصیلی کودکان دارای مشکلات یادگیری



تحلیل نقاشی های کودکان کار

نسرین هاشمی * دکتر سید محمد فدوی **

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۵/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۸/۱۰/۵

چکیده

مقاله پیش رو به منظور بررسی نقاشی های کودکان ریزنقشی انجام شده که دستان کوچک آن ها طعم سختی کار را چشیده، کودکانی که در کنار ما، با ما و در عین حال جدا از ما زندگی می کنند. نقاشی های آن ها می تواند نمایان گر دنیای آنان باشد. به این منظور از روش بداهه سازی استفاده شد تا کودکان بتوانند با تخلیه روانی، احساسات درونی خود را کاملاً آزاد و به دور از قید و بندها بیان کنند. بنابر این ضروری بود تا قبل از هر چیز مطالعاتی در مورد تعریف بداهه سازی انجام پذیرد. مهم ترین نتیجه حاصله این است که، کودکان پیام خود را از رخدادهای ناپسند و خشن محیط کار، با رنگ ها و تصاویر ناخودآگاه و به ظاهر اتفاقی نقش می کنند و انزجار و خشم خویش را عیان می سازند. همچنین روش مورد اشاره به نسبت شیوه های گذشته در روانکاوی ناخودآگاه افراد، می تواند موفق تر عمل کند. روش تحقیق، تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات، به صورت ترکیبی بوده؛ به این معنی که از روش های کتابخانه ای و میدانی (از طریق مشاهده و آزمون) استفاده شده است. جامعه آماری در این پژوهش، ۳۰ نفر از کودکان کار بین ۷ تا ۱۰ سال بوده که به صورت اتفاقی انتخاب و برای اثبات دقیق تر فرضیه های این پژوهش، این تعداد با ۱۵ کودک معمولی ۷ تا ۱۰ سال مقایسه شده اند.

واژگان کلیدی

نقاشی، بداهه سازی، کودکان کار، ضمیر ناخودآگاه، روانکاوی.

Email: M-hashemi48@yahoo.com

* مدرس دانشکده فنی دکتر شریعتی استان تهران، شهر تهران

Email: fadavi@ut.ac.ir

** دانشیار پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران استان تهران، شهر تهران

مقدمه

کودکان همواره نیروی کار ارزان به شمار می روند و دستان کوچک بسیاری از آنان با سختی های کار آشناست. فشار فقر و تنگدستی باعث شد برخی خانواده ها، برای تامین مخارج زندگی، کودکان خود را وادار به کار کنند. کار کردن کودک مساله ای است که از دیرباز در تمام جوامع بشری وجود داشته و از جنبه های مختلفی به آن نگاه می شود. زمانی که کودک برای کار از خانه بیرون می رود، هیچ تضمینی برای حفظ او از آسیب های اجتماعی وجود ندارد و زندگی وی در این حالت، دستخوش تغییرات زیادی می شود. این روند فرصت تحصیل، آموزش و بازی را از کودکان گرفته و باعث از بین رفتن خلاقیت آن ها شده و در نتیجه آسیب های جدی جسمی و روانی به همراه می آورد.

نقاشی و یا تصویرسازی، وسیله ای است که کودک می تواند به کمک آن، نوعی ارتباط روحی با دیگران برقرار می کند؛ بنابراین می توان از این طریق به روحیات، تمایلات و شخصیت او پی برد.

پژوهش حاضر، به منظور بررسی عواطف و حالات درونی کودکان کار انجام شده و به این منظور از روش «بداهه سازی» استفاده شده که می تواند اعماق درونی روح کودک را بهتر و روشن تر نمایان کند، همچنین درصدد است تا روشن سازد بداهه سازی به نسبت روش هایی که تاکنون در این زمینه انجام شده و قابلیت این را دارد که برای آزمون های روانشناسی و روانکاوی مورد استفاده قرار گیرد.

به نظر می رسد تاکنون تحقیقی با این موضوع صورت نگرفته، اما در موارد مشابه پژوهش های بسیاری انجام شده که از آن جمله می توان به کتاب «نقاشی کودکان و مفاهیم آن» نوشته آنا اولیوریو فراری^۱ اشاره کرد. یکی از نتایج مهم آن، این است که، ارائه موضوع به منظور بررسی عواطف درونی کودک، مناسب نیست؛ زیرا کودک با داشتن آگاهی از مقاصد جست و جوگرانه آزمون گیرنده، به پنهان سازی شخصیت خود می پردازد و به همین دلیل در خاتمه، روش آزاد و بداهه توصیه شده است.

ماکس لوشر^۲، در کتاب «روانشناسی رنگ ها»، تنها از طریق بررسی رنگ ها به تحلیل شخصیت انسان می پردازد. آزمون لوشر، از نظریه های مهم و موفق در روانشناسی و روانکاوی به شمار می رود و این کتاب حاوی اطلاعات مفید و ارزنده ای است که می توان از آن برای تحلیل آثار کودکان کار بهره گرفت.

به نظر می رسد، آزمون هایی که تاکنون برای روانشناسی و روانکاوی انجام شده، دارای نواقصی هستند زیرا در آن ها تنها به یک جنبه از هنر توجه گردیده؛ به عبارت دیگر یا از طریق ارائه موضوع و عناصر تصویرسازی انجام گرفته، که این روش نقایص بسیاری دارد و یا فقط به رنگ پرداخته



تصویر ۱- احسان، ۹ ساله

و عناصر تصویری نادیده گرفته شده است. آزمون بداهه سازی فاقد این محدودیت ها می باشد و می تواند بدون مقاومت و پنهان سازی شخصیت از طریق رنگ و عناصر تصویری، محتویات درونی فرد را نمایان سازد.

اهمیت هنر در کشف دنیای درونی انسان

هنر از مهم ترین ویژگی های بشری به شمار می رود و به گفته هگل^۳ «غایت هنر در آن است که هر گونه احساس خفته، تمایلات و شور و شوق را بیدار کند، به آن ها جان بدمد، نهاد آدمی را سرشار کند و همه چیز را برای انسان فرهیخته و رشد کرده احساس پذیر کند. هنر می تواند آن چه را عاطفه انسان در درونی ترین و نهفته ترین زوایای روح دارد، تجربه کند و بپروراند؛ آن چه را در ژرفا و امکانات متعدد و جنبه های گوناگون نهاد انسان است به جنبش درآورد و برانگیزاند و ...» (عبادیان، ۱۳۸۳، ۲۹)

هنر به معنای حقیقی آن برترین شکل انتقال تمایلات ناخودآگاه روح به آگاهی انسان است؛ هنر حقیقی در تفکر دینی و عرفانی تنها به هدایت الهی و بدون تفکر و به وسیله یک سیر معنوی و بر کندی از عالم کثرت ممکن است. هنرمند باید در تمام اعمال و افکار خود بر احساس و حضور خود تکیه کند؛ اما تنها حضور و دریافت قلبی کافی نیست، بلکه بیان این دریافت های قلبی نیز اهمیت دارد. «حضور خوب بی حصول خوب، نمی تواند راهگشا باشد».

(مددپور، ۱۳۷۱، ۳)

فلاسفه و اندیشمندان غرب و شرق در تعریف هنر دیدگاه مشترکی دارند و هنر را حاصل الهام، ذوق و حس زیباشناختی هنرمند می دانند.

«کارل گوستاو یونگ»^۴، برای هنرمند به عنوان هاتف و غیب گوی آن چه که «ناخودآگاه جمعی» می نامید، حرمت خاصی قائل بود. ناخودآگاهی، تجربه روانی ماست در هنگام قطع ارتباط با دنیای واقعیت و یا حالتی که در

- 1-Anna Olivier. U. Ferrari
- 2- Max Lousier
- 3-George Wilhelm Fredric Hegel
- 4-Carl Gustav Jung



تصویر ۳- میثم، ۷ ساله



تصویر ۲

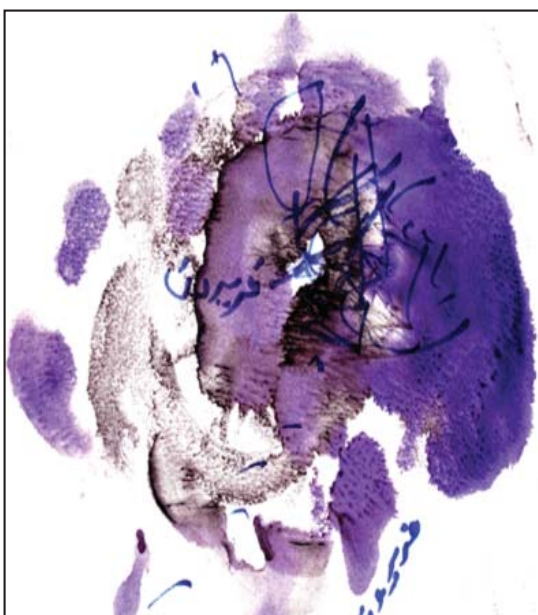
و نشان دهنده گذشته نیست و سرشار از جوانه های وقایع روانی و انگاره های آینده نیز می باشد. به اعتقاد او، ناخودآگاه هر ماهیتی که داشته باشد، نمادهایی می آفریند که هر کدام مفهوم خاص خود را دارند.

برای دست یابی به ناخودآگاه و عالم درون، راه های بسیاری وجود دارد از جمله رویا، هنر و غیره علم روانکاو و روانشناسی نیز همواره این روش ها را برای پی بردن به ناخودآگاه افراد به کار گرفته است.

امروزه آزمون های هنری نظیر نقاشی و رنگ از بهترین و متداول ترین آزمون های روانکاو به شمار می آیند و به

آن تفکر متوقف شده و یا صرفاً متوجه دنیای درون است. ناخودآگاه مخزنی است که بسیاری از معلومات و اکتشافات و خلاقیت های انسانی از آن ظاهر می شود؛ ضمیر ناخودآگاه امکاناتی را در خود دارد که وجدان آگاه هرگز به آن دسترسی ندارد.

همه محتوا و مضامین متعالی و فراموش شده در درون اوست و همه فرزانی هایی که در بوته تجربیات هزاران ساله گذشته و در ساختار و «نمونه های دیرینه»^۱ گذارده شده است، در نهاد خود دارد. (یونگ، ۱۳۸۳، ۸۲) علاوه بر این یونگ اعتقاد دارد ناخودآگاه تنها جایگاه



تصویر ۵- فریدون، ۹ ساله



تصویر ۴



تصویر ۶

خود رها شود و خودآگاه انسانی به آن واکنش نشان ندهد، ممکن است همانند طبیعت، داشته های خود را ویران کند و دیر یا زود به تباهی بکشاند. (یونگ، ۱۳۷۷، ۳۹۳)

به طور کلی می توان گفت، هنر حقیقی از الهام و مهارت پدید می آید بنابراین شرط لازم برای تولید یک اثر هنری این است که نظارتی که توسط انسان انجام می گیرد، کاهش یابد ولی در عین حال اگر این نظارت کاملاً از بین رود، اثر غیر قابل فهم و در صورتی که نظارت دقیق و قاطع باشد، نتیجه کار هنری سرد و بی روح خواهد شد.

در طول تاریخ بداهه سازی در زمینه های گوناگون و با اشکال مختلف انجام پذیرفته است. بداهه سازی مطرح شده در این پژوهش خصوصیات هنر حقیقی را داراست و می تواند تصویر بسیار روشنی از ناخودآگاه را منعکس کند.

مراحل نقاشی کودکان کار

آزمون نقاشی به روش بداهه شامل دو مرحله است: در مرحله اول، ابتدا رنگ های زرد، نارنجی، قرمز، آبی، سبز، بنفش، قهوه ای، خاکستری و سیاه به ترتیب علاقه و ترجیح توسط کودک انتخاب می شوند. این مرحله آزمون شباهت بسیاری به آزمون لوشر دارد با این تفاوت که به جای کارت های رنگی از جوهرهای رنگی و به جای هشت رنگ، از نه رنگ استفاده و رنگ نارنجی به آن ها افزوده شده است. در این مرحله کودک لکه های رنگی را به ترتیب علاقه و به مقدار دلخواه روی شیشه قرار داده و سپس با گذاشتن مقوایی سفید، لکه ها را به روی مقوا منتقل می کند. این مرحله از آزمون، به تنهایی می تواند بیان گر اطلاعات مفید و ارزنده ای از نظر روحی و روانی افراد

شیوه های مختلف انجام می شوند ولی چنانچه اشاره شد، این روش ها دارای نقایص و محدودیت هایی هستند.

با توجه به مفهوم هنر حقیقی، می توان نتیجه گرفت بداهه سازی، از برترین قالب های هنری است و به دلیل خود انگیختگی می تواند محتویات ناخودآگاه انسان را به بهترین شکل آشکار سازد.

واژه «بداهه» یا «بدیهه» در لغت به معنای ناگهانی، بدون تفکر سخن گفتن یا شعر گفتن، و در فارسی «زودانداز» هم گفته می شود. (عمید، ۱۳۵۷، ۲۰۰) در فرهنگ لغت آکسفورد، بداهه عبارت است از: انجام یا بیان کار و مطلبی بدون مقدمه و آمادگی قبلی، که معادل کشف و وانمایی در لحظه و بدون اندیشه قبلی می باشد. تعریف ساده و موجز بداهه سازی هنری از نظر پژوهش گری چون راجردین، عبارت است از دریافت مفهوم و اجرا و یا خلق یک اثر در یک زمان واحد. (فدوی، ۱۳۸۶، ۱۲)

به گفته پرفسور یونگ، خودآگاه کلید ارزش های ناخودآگاه است؛ بنابراین نقشی تعیین کننده دارد و این تنها خودآگاه است که شایستگی دست یابی به مفهوم نماد ها و معنای آن ها برای فرد بر مبنای واقعیت زمان آشکار شدنشان را دارد و تنها در صورت کنش متقابل خودآگاه و ناخودآگاه است که ناخودآگاه می تواند ارزش خود و شاید حتی راه چیره شدن بر نگرانی از تهی شدن را نشان دهد.

اگر ناخودآگاه به هنگام فعالیت به حال خود رها گردد و هیچ اندیشه و اراده ای در آن دخیل نباشد، این خطر پیش می آید که غیر قابل مهار شده و یا طرف منفی و ویران گر خود را بروز دهد.

ناخودآگاه طبیعت ناب است و همانند طبیعت آن چه در خود دارد را سخاوتمندانه به کار می گیرد اما اگر به حال



تصویر ۸- مریم، ۸ ساله



تصویر ۷- پریسا، ۸ ساله

رنگ های انتخابی در تصویر ۲، نارنجی، قرمز، قهوه‌ای و سیاه هستند و زرد و آبی و سبز حذف شده‌اند. در تصویر ۳ نیز سه رنگ زرد و آبی و سبز انتخاب نشده‌اند و رنگ های قهوه‌ای، بنفش و سیاه کل انتخاب را تشکیل می‌دهند. در تصویر ۴، کودک تنها از رنگ قرمز و قهوه‌ای استفاده کرده و تمایلی به رنگ های دیگری نداشته است. ماکس لوشر، رنگ قهوه‌ای را نشان ناراحتی جسمانی و بیماری می‌داند و معتقد است بی‌خانمان ها و افرادی که آرامش و استراحت ندارند این رنگ را به رنگ های دیگر

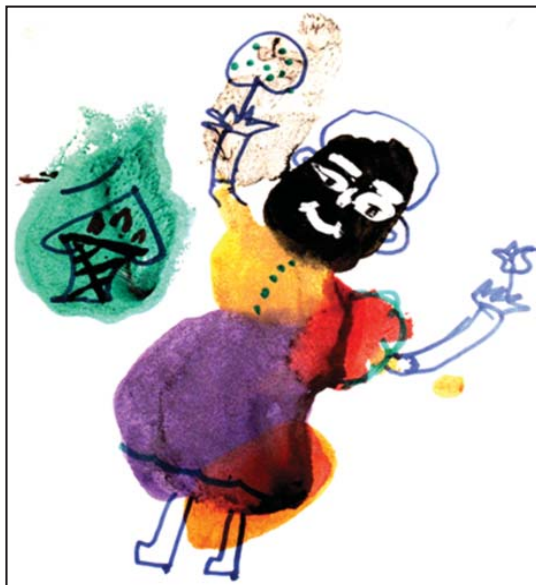
باشد و می‌توان از تفاسیر لوشر در تجزیه و تحلیل این بخش استفاده نمود. در مرحله بعد، کودک به وسیله لکه‌های پدیدآمده بر روی مقوا و با تاکید بر بخش‌هایی از آن ها و نظام‌مند کردن شان، تصاویری خلق می‌کند که اطلاعات مرحله قبل را کامل تر و گویاتر می‌کنند.

الف - انتخاب رنگ:

در میان ۶۰ نمونه که از ۳۰ کودک مشغول به کار گرفته شد، انتخاب رنگ ۱۵ درصد آن ها را رنگ های زرد، نارنجی، قرمز، سبز، آبی و بنفش تشکیل می دهد، ۱۳ درصد رنگ خاکستری در کنار این رنگ‌ها به کار رفته و در ۷۲ درصد آن ها رنگ های قهوه‌ای و سیاه به دیگر رنگ ها ترجیح داده شده است.

کودکانی که رنگ های شاد و اصلی را به کار گرفته‌اند، اغلب ۷ و ۸ ساله هستند که در بیرون از خانه مشغول نبوده‌اند و به کارهای سبک‌تری در خانه و در کنار خانواده می‌پرداختند، مانند بسته‌بندی و شکستن قند و گردو و غیره. در آثار کودکانی که رنگ خاکستری را نیز استفاده کرده‌اند، یک یا دو رنگ از رنگ های اصلی حذف شده است.

کودکانی که بخش زیادی از این گروه را تشکیل می‌دهند، رنگ های سیاه و قهوه‌ای را به رنگ های اصلی ترجیح داده و ۸۰ درصد آن ها رنگ زرد را و تقریباً در ۵۳ درصد رنگ سبز، ۴۶ درصد رنگ آبی و ۱۸ درصد رنگ قرمز را از انتخاب خود حذف کرده‌اند. در تعدادی از این آثار دو یا بیش از دو رنگ اصلی حذف شده است. برای مثال در تصویر ۱ مشاهده می‌شود که رنگ های قرمز و آبی کاملاً حذف گردیده و رنگ غالب در این اثر سیاه است.



تصویر ۹- فاطمه، ۱۰ ساله



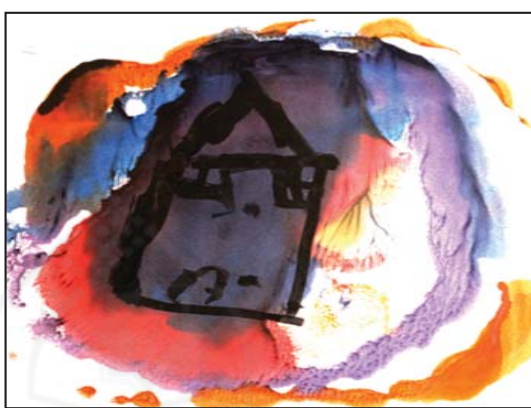
تصویر ۱۱- فرهاد، ۱۰ ساله



تصویر ۱۰- نازنین، ۱۰ ساله



تصویر ۱۳



تصویر ۱۲

اصلی، نشان‌دهنده تعادل روانی است و انتخاب هریک از سه رنگ سیاه و خاکستری و قهوه‌ای را می‌توان نشانه‌ای از تضادها و سرکوب‌های روانی و نگاه منفی نسبت به زندگی تلقی نمود.

حذف آبی بیان گر بی‌قراری، عدم آرامش و خشنودی است، با طرد شدن سبز، ایستادگی شخص متزلزل می‌شود و قدرت و استحکام اراده‌ای که برای رویارویی با مشکلات موجود ضروری است، ضعیف می‌گردد. حذف سبز نشان‌دهنده احساس خستگی مفرط و فرسودگی است.

(لوشر، ۱۳۷۵، ۲۰۴)

کنار گذاشتن قرمز نشان دهنده خستگی جسمی و کمبود انرژی و عجز عصبی و طرد شدن زرد نیز به معنای نوعی خستگی روحی، نگرانی و بدبینی است. بنابراین عدم انتخاب رنگ‌های اصلی نشانه آن است که یکی از نیازهای اولیه ارضاء نشده و شرایط موجود، دلخواه فرد نیست. این نارضایتی، سبب فشار روحی و باعث به وجود آمدن محرومیت‌هایی در زندگی می‌شود. هرچه تعداد رنگ‌های اصلی حذف شده بیش تر باشد، شدت کمبودها و فشارهای روحی و اضطراب بیش ترمی شود.

ب - تصویرسازی

در این مرحله کودک با کمک لکه‌های پدیدآمده روی مقوا، سعی در به وجود آوردن تصویر می‌کند. هر لکه را

ترجیح می‌دهند.

در تصویر به مشاهده می‌شود که تنها رنگ‌های انتخابی بنفش و سیاه هستند و تمام رنگ‌های اصلی طرد شده‌اند. لوشر چهار رنگ اصلی آبی، قرمز، سبز و زرد را نشان گر نیازهای روانی فرد می‌داند. نیاز به خشنودی و محبت، ابراز وجود، عمل و موفقیت و انتظار و امید. در این آزمون‌ها نیز همانند آزمون لوشر گزینش رنگ‌های



تصویر ۱۴- احسان، ۹ ساله

تصویر شده است. گلین وی توماس^۱، در کتاب «مقدمه ای بر روانشناسی نقاشی کودکان» می نویسد، درخت احتمالا بازتاب احساسات نسبتا عمیق تر و ناخودآگاه کودکان درباره خودشان است و به گفته یونگ یک درخت نماد زندگی روانی فرد است.

در تصاویر ۹ و ۱۰ انسان دیده می شود که نشان دهنده دیدگاه کودکان درباره خودشان و در رابطه با جهان خارج است. در تصویر ۹، تصویر دختری با صورت سیاه مشاهده می شود که دو دست خود را بالا برده در حالی که با یک دست آب نبات و با دست دیگر شاخه گلی گرفته است. آب نبات و گل می توانند نمادهایی از غذا، امنیت و آرامش باشند که از حقوق کودک به شمار می آیند. در تصویر ۱۰، آدمکی با صورت آبی را می بینیم که به نظر می رسد در مقابل فشار دو موجود خیالی که در سمت راست و چپ او قرار دارند، ایستادگی می کند.

در تصویر ۱۱، یک قندان دیده می شود که در این مورد به وضوح می توان حس نیاز به مواد غذایی را احساس نمود و در تصویر ۱۲، کودک خانه ای را در میان تاریکی تصویر کرده است، بدون این که این لکه شباهتی به خانه داشته باشد. او در توضیح کار خود اظهار داشته که این تصویر یک خانه سوخته است. این در حالی بود که آثار سوختگی بر روی دست ها و صورت او به وضوح دیده می شد. خانه می تواند نماد بدن کودک یا منزل والدین باشد. در یک مورد کودک در مرحله اول رنگ های نارنجی، آبی، قرمز و قهوه ای را انتخاب نموده و در مرحله تصویرسازی تمام صفحه را با لکه های سیاه و قرمز پر کرده است. این لکه های فشرده و کوتاه و تیره می توانند بنا به نظر آنا اولیوریو فراری، نشان دهنده ضعف عصبی و پرخاشگری باشند. (تصویر ۱۳)

در تصویر ۱۴، تنهارنگ های به کار برده شده (در مرحله اول) نارنجی، قرمز و قهوه ای هستند. انتخاب این رنگ ها و حذف رنگ های دیگر از نظر لوشر، «حظ شهبانی» و یا «حظ نفس» را می رساند و علامت ضربدر این مساله را تحکیم می بخشد.

تمامی این نمادها از نظر روانشناسان بسیار حائز اهمیت بوده و می توانند مفاهیم عمیق تر و گسترده تری را بیان کنند.

نقاشی کودکان معمولی (گواه)

در میان کودکان معمولی که به صورت اتفاقی انتخاب شده بودند، ۶۵ درصد آن ها فقط از رنگ های اصلی استفاده کردند و ۱۳ درصد، در کنار رنگ های اصلی از خاکستری و ۱۸ درصد این کودکان از رنگ قهوه ای نیز استفاده کردند.

در کل این تعداد، رنگ قهوه ای و خاکستری، جزء انتخاب های آخر کودکان بودند. تنها ۴ درصد از این کودکان از رنگ سیاه استفاده کردند؛ که همگی در انتخاب های آخر



تصویر ۱۵- بارمان، ۷ ساله

می توان به هزاران تصویر تبدیل کرد و کودکان مختلف از یک لکه تعبیر متفاوتی را بیان می کنند. این تعبیر با زندگی، حالات روحی و احساسات زمان حاضر و نیز احساسات و تحریکات ریشه دار و ژرف تر فرد مرتبط اند؛ و همه شکل ها و تصاویر به ظاهر تصادفی در این مرحله از نظر یک روانکاو نشانه و قابل تفسیر هستند.

در این مرحله از آزمون نیز کودکان کار ۷ و ۸ ساله طبیعی تر از کودکان ۹ و ۱۰ سال عمل کرده و خلاقیت بهتری را نشان دادند. ۷۴ درصد کودکان توانستند از لکه ها به خوبی استفاده کرده و ۲۶ درصد آن ها که غالبا ۹ و ۱۰ ساله بودند، قادر به دیدن هیچ تصویری نبودند. در میان تصویرسازی های به دست آمده از کودکان کار، تصاویر پرندگان و حیوانات از جمله حیوانات درنده بیش تر به چشم می خورد، یونگ حیوانات را نماد زندگی غریزی و پرنده را نماد تعالی می داند.

حیوانات درنده اصولا نشان دهنده گرایش های پرخاشگرانه و نماد فشارهای درونی و مخفی کودک است. یونگ اژدها و دیگر اهریمنان را نماد قدرت های شرور و شیطانی و نشان گر دلهره و ترس می داند. (تصاویر ۶ و ۷)

در دو مورد از تصاویر، درخت مشاهده می شود. در تصویر (۸) درخت با اجزاء یک صورت خشن و هراسان



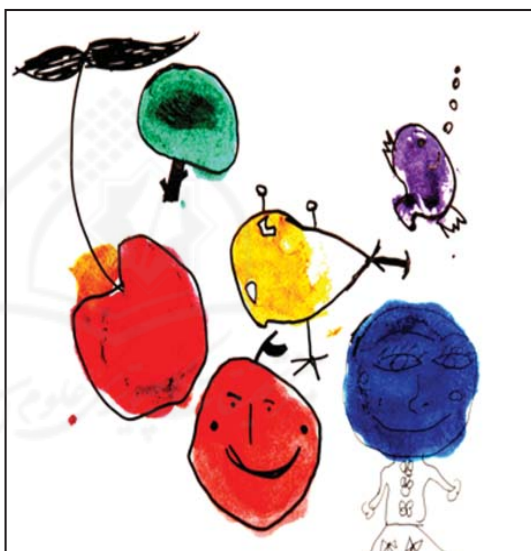
تصویر ۱۷- آریان، ۹ ساله



تصویر ۱۶- بارمان، ۷ ساله



تصویر ۱۹- سهیل، ۷ ساله



تصویر ۱۸- یاسمین، ۱۰ ساله

تفاوت های بسیار روشنی را چه از نظر انتخاب رنگ و چه از نظر عناصر تصویری می توان مشاهده کرد. رنگ های انتخابی کودکان کار در مقایسه با کودکان معمولی، تیره تر و محدودتر است؛ بیش تر کودکان کار رنگ های خاکستری، قهوه ای و سیاه را به رنگ های دیگر ترجیح داده اند و اغلب رنگ های اصلی را حذف نموده اند که این ها نشان دهنده مشکلات اساسی ساختمان روانی کودک است.

از نظر عناصر تصویری نیز، آثار کودکان کار بسیار ابتدایی تر، محدودتر و خشن تر از تصاویر آثار کودکان معمولی است. تصاویر کودکان معمولی شاد، متنوع و پرانرژی بوده و با جزئیات بیش تری کشیده شده اند.

همچنین می توان مشاهده کرد آثار کودکانی که به تازگی مشغول به کار شده بودند و یا این که در محیط خانه و در کنار خانواده کار می کردند، به نسبت کودکانی

آن ها جای می گرفت. وسعت رنگ های قهوه ای و خاکستری و سیاه در آثار این گروه از کودکان معمولی به نسبت بسیار کمتر از رنگ های دیگر به نظر می رسد و غالباً در همه آن ها، تنها یک رنگ اصلی حذف شده است.

در مرحله تصویرسازی، ۹۶ درصد از این کودکان، تصاویر زیاد و متنوعی را از لکه های رنگی پدید آوردند و تنها ۴ درصد آن ها به تصاویر کم تری اکتفا نمودند. عناصر تصویری در این آثار بسیار متنوع هستند. یکی از ویژگی های این آثار چهره های خندان آدمک ها و جانوران و دیگری عنصر حرکت است که به وضوح می توان مشاهده کرد. (تصاویر ۲۰ تا ۱۵)

تطبیق آثار کودکان کار و کودکان معمولی
با مقایسه آثار کودکان کار و کودکان معمولی،



تصویر ۲۰، بقا- ۸ ساله

جدول شماره ۱- انتخاب رنگ کودکان کار بر اساس جنسیت

جدول شماره ۳- مقایسه کودکان کار و کودکان معمولی براساس انتخاب رنگ

جنسیت	تعداد	رنگ‌های اصلی	خاکستری	قهوه ای و سیاه	درصد
دختر	۱۷	۱۷/۶٪	۲۰/۶٪	۶۱/۸٪	۱۰۰٪
پسر	۱۳	۱۵/۱٪	۱۵/۴٪	۶۹/۲٪	۱۰۰٪

وضعیت کودکان	تعداد	رنگ های اصلی	خاکستری	قهوه ای و سیاه	درصد
کودکان کار	۶۰	۱۵٪	۱۳٪	۷۲٪	۱۰۰٪
کودکان معمولی	۳۰	۶۵٪	۱۳٪	۲۲٪	۱۰۰٪

جدول شماره ۲- انتخاب رنگ کودکان براساس سن

جدول ۴- مقایسه کودکان کار و کودکان معمولی براساس توانایی در تصویرسازی

سن کودکان	رنگ‌های اصلی	خاکستری	قهوه ای و سیاه	درصد
۷-۸ سال	۲۶٪	۳/۲٪	۷۰/۸٪	۱۰۰٪
۹-۱۰ سال	۲۱٪	۵٪	۷۴٪	۱۰۰٪

وضعیت کودکان	توانایی در تصویرسازی	عدم توانایی در تصویرسازی	درصد
کودکان کار	۷۴٪	۲۶٪	۱۰۰٪
کودکان معمولی	۹۶٪	۴٪	۱۰۰٪

معمولی در زمینه انتخاب رنگ و توانایی تصویرسازی، مورد بررسی قرار گرفته است.

چنانچه در جدول ۱ دیده می شود، در میان کودکان کار، تمایل پسران برای استفاده از رنگ های قهوه ای و سیاه بیش تر از دختران بوده است که این می تواند نتیجه اشتغال پسران در کارهای سنگین تر و در سنین پایین تر

که بیرون کار می کردند، شباهت بیش تری به کودکان معمولی دارد.

نقاشی کودکان کار به نسبت سن شان بسیار ابتدایی تر است و این بیان گر عدم رشد خلاقیت در آن ها می باشد. در جداول زیر به ترتیب، وضعیت انتخاب رنگ کودکان کار بر حسب جنسیت و سن و مقایسه آن ها با کودکان

به نسبت دختران باشد. مقایسه اختلاف بسیاری میان این دو گروه مشاهده می شود و این موضوع بیان گر اختلافات و ناهنجاری های روحی و روانی در کودکان کار است. در جدول ۲، انتخاب رنگ کودکان کار، در دو گروه سنی ۷-۸ و ۹-۱۰ سال مشاهده می شود. این جدول نشان می دهد کودکانی که در سنین بالاتر هستند، بیش تر در معرض آسیب های روانی قرار دارند و دلیل آن هم اشتغال طولانی تر آن ها است. در جدول ۳، انتخاب رنگ در کودکان کار و کودکان معمولی مورد مقایسه قرار گرفته است. در این

نتیجه

از پژوهش حاضر می توان چنین نتیجه گرفت:

۱- با انجام آزمون نقاشی کودکان کار می توان نتیجه گرفت نقاشی به روش بداهه (روش مورد نظر در تحقیق)، به دلیل خودانگیختگی، شیوه بسیار مناسبی برای نشان دادن محتویات ناخودآگاه است و قابلیت این را دارد که به عنوان آزمون روانشناسی مورد استفاده قرار گیرد. این روش به نسبت آزمون های روانشناسی دیگر که تا کنون انجام شده، می تواند تصویر روشن تری از درون آن ها منعکس کند. در این روش مخالفت ها و مقاومت هایی را که شخص در سایر آزمایش های روانی از خود نشان می دهد، مهار و به دلیل جاذبه و گیرایی خاص، برای همه (افراد، کودک و بزرگسال) می تواند به کار گرفته شود.

۲- بسیاری از بی نظمی های زندگی جوانان امروزی، نتیجه رها شدن نیروی خلاق بالقوه ای است که راه گریز دیگری ندارد. بدون تردید مدرسه، عامل بسیار مهمی برای پرورش استعداد و تقویت خلاقیت است. نقاشی وسیله بیانی گیرا و ممتازی است که می تواند تاثیر قابل ملاحظه ای در تکامل هوشی و افزایش قابلیت ها و رشد نیروی خلاق داشته باشد.

صاحب نظران بسیاری بر این باورند که روش آزاد، غیر تحمیلی و اساسا غیرارشادی، مناسب ترین شیوه آموزش نقاشی به کودکان است و هر نوع اجبار خارجی به کودک آسیب می رساند و به طور ناگهانی قدرت خلاقیت او را متوقف می سازد. از این رو، نقاشی به روش بداهه می تواند شیوه مناسبی برای آموزش نقاشی در مدارس باشد، به ویژه مدارس کودکان عقب افتاده و استثنایی، زیرا نقاشی به روش بداهه، گوش فرادادن به طبیعت بوده که از خودجوش ترین تجارب به وجود آمده و محرکی حیاتی و لازم برای رشد نیروی خلاق می باشد.

۳- علاوه بر این ها نقاشی با این روش می تواند نقش مهمی در درمان ایفا کند. این شیوه باعث به حرکت درآمدن روند آزادسازی فرد شده و در نتیجه نوعی بهبودی حاصل می شود. مفهوم هنر درمانی، مبتنی بر این فرض است که بیان عاطفه در هنر اثر شفابخش دارد.

۴- اشتغال به کار برای کودکان کم سن و سال مناسب نیست، زیرا شرایط سخت زندگی، نبودن کودکان در خانه و در کنار خانواده، عدم بهره مندی از امکانات تحصیلی و آموزشی و محدود شدن فعالیت های کودکان، تاثیر بسیار جبران ناپذیری بر روی کودکان گذاشته و باعث به وجود آمدن اختلالات روحی و روانی در آن ها می گردد.

محدودیت ها و کاستی های تحقیق:

در این تحقیق مشکلات و کاستی هایی نیز وجود داشت که عبارتند از:

۱- دسترسی به کودکان کار به آسانی میسر نبود و این هدف تنها از طریق انجمن کودکان کار امکان پذیر شد که البته محدودیت هایی را نیز در بر داشت؛ از جمله این که کودکان کار به دلیل اشتغال، ساعت مشخصی در انجمن حضور نداشتند در نتیجه برای انجام این آزمون از کودکان معدودی



استفاده شد، به همین دلیل تعداد ۳۰ کودک برای آزمون انتخاب شدند. ۲- سن کودکان کار به دلیل نداشتن شناسنامه به درستی مشخص نبود و در بیش تر موارد کودکان سنی را اعلام می کردند که با در نظر گرفتن جثه آن ها قابل پذیرش نبود، برای مثال، کودکی که خود را ۱۰ ساله معرفی می کرد، ۶ ساله به نظر می رسید؛ بنابر این، سنین کودکان کار در این پژوهش تقریبی است. در مواردی نیز به علت نداشتن سواد و دلایل دیگر نام و سن کودک نوشته نشده است. ۳- در این آزمون اگر رنگ های انتخابی کودکان به ترتیب انتخاب و اولویت آن ها ثبت می شد، نتیجه بهتری حاصل می شد.

منابع و ماخذ

- صفرزاده، مهتاب، بغض الیورهای کوچک، ویژه نامه روز جهانی مبارزه علیه کار کودک انجمن حمایت از کودکان کار، ۱۳۸۶.
- عبادیان، محمود، گزیده زیباشناسی هگل، فرهنگستان هنر، تهران، ۱۳۸۳.
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، امیر کبیر، تهران ۱۳۵۷.
- فدوی، سید محمد، بداهه سازی در هنر نقاشی و تصویرسازی، طرح تحقیقاتی پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- مدد پور، محمد، حکمت معنوی و ساحت هنر، حوزه هنری، تهران ۱۳۷۱.
- لوشر، ماکس، روانشناسی رنگ ها، ترجمه: ویدا ابی زاده، درسا، تهران ۱۳۷۵.
- یونگ، کارل گوستاو، انسان و سمبول هایش، ترجمه: محمود سلطانی، دیبا، تهران، ۱۳۷۷.
- یونگ، کارل گوستاو، روانشناسی ضمیر ناخود آگاه، ترجمه: محمد علی امیری، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



نقاشی کودک ۸ ساله، پریسا
از کودکان کار